

گروه اخلاق، ادیان و عرفان



حسین خندق‌آبادی
 رتبه: شایسته تقدیر بخش بزرگسال
 تحصیلات: دکتری
 عنوان اثر: شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی نزد قاضی عبدالجبار
 و ابوحامد غزالی
 قالب اثر: رساله دکتری

درباره پژوهشگر

حسین خندق‌آبادی در سال ۱۳۵۷ در تهران به دنیا آمد. وی مدرک کارشناسی خود را در رشته فقه و حقوق از مدرسه عالی شهید مطهری و درجه کارشناسی ارشد را از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در رشته فلسفه و کلام اسلامی دریافت کرد. خندق‌آبادی در سال ۱۳۹۵ از رساله دکتری خود با عنوان «شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی نزد قاضی عبدالجبار و ابوحامد غزالی» در دانشگاه ادیان و مذاهب دفاع کرد. از جمله آثار تالیفی و پژوهشی وی عبارت است از: «افسانه خوان عرفان: نگاهی به زندگی، آثار و افکار پرفسور آنه‌ماری شیمبل» و «جاودان‌نامه: نمایه آثار فارسی مربوط به سنت‌گرایی». همچنین ترجمه کتاب «منطق و تعالی» اثر فریتیف شوان اثر شایسته تقدیر در جایزه کتاب سال شناخته شد. گذشته از برخی از مدخل‌های «دانشنامه جهان اسلام»، برخی از مقالات منتشر شده وی عبارت است از «بررسی دیدگاه ابوحامد غزالی درباره درونی بودن موانع عملی تحقق فعل اخلاقی»، «پیوند میان حجیت معنوی و اقتدار دنیوی در تفکر سنت‌گرایی: نقد و بررسی دیدگاه‌های سید حسین نصر درباره حکومت دینی»، «متن‌گرایی تاریخی: نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ نساء» و «کتاب‌شناسی دکتر داریوش شایگان». خندق‌آبادی در زمینه دین‌پژوهی و مطالعات اسلامی فعالیت می‌کند و هم‌اکنون عضو هیئت علمی گروه کلام و فرق بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، از ویراستاران «دایرة‌المعارف تشیع» و عضو شورای برنامه‌ریزی و تدوین ترجمه فارسی «دائرة‌المعارف قرآن» (چاپ انتشارات بریل) است.

چکیده اثر



یکی از مهم‌ترین مسائل در بررسی رفتار اخلاقی انسان آن است که چرا وی گاه پس از آنکه به هر نحو معرفتی درباره فعل درست یا نادرست اخلاقی حاصل کرد مطابق آن معرفت عمل نمی‌کند. این موضوع در تاریخ فلسفه به شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی معروف شده است. قاضی عبدالجبار همدانی (۳۵۹-۴۱۵ ق)، عالم معتزلی، معتقد است معرفت به قبیح بودن فعل قبیح در کنار اعتقاد انسان به بی‌نیازی از ارتکاب فعل قبیح، مانع از ارتکاب قبیح می‌شود. براین اساس، در وهله نخست می‌توان رای او را نزدیک به رای سقراط و معتقدان به عدم امکان وجود این شکاف دانست که به نظر آنها معرفت انسان به نادرستی فعل مانع از ارتکاب آن فعل است. اما از سوی دیگر، عبدالجبار معتقد است باور به تأثیر مستقیم و صددرصدی معرفت اخلاقی بر عمل اخلاقی پذیرفته نیست، چراکه مجالی برای اختیار انسان باقی نمی‌گذارد. در جانب دیگر ابوحامد محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ ق)، عالم اشعری، نیز از سویی معتقد است هرگاه برای کسی علم مکاشفه حاصل شود عمل مطابق با آن نیز پدید می‌آید، اما از سوی دیگر می‌گوید حصول این علم در اختیار انسان نیست و آدمی با غلبه بر شهوات و هوای نفس خود تنها می‌تواند خود را در معرض کسب آن قرار دهد. بدین سان، در محدوده اختیار انسان، می‌توان رای غزالی را نزدیک به رای ارسطو و معتقدان به امکان وجود شکاف میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی دانست که معرفت اخلاقی را شرط لازم اما ناکافی برای عمل اخلاقی مطابق با آن می‌دانند. بنابراین، به‌رغم توجه متفاوت هر کدام از این دو اندیشمند معتزلی و اشعری به عامل اختیار، می‌توان گفت در نهایت هر دو در موضع اعتقاد به امکان وجود شکاف قرار می‌گیرند. البته تفاوت در رویکرد کلامی عبدالجبار و رویکرد غالباً روان‌شناختی غزالی توصیه‌های نسبتاً متفاوتی برای چیره شدن بر این شکاف را در پی داشته است.

